

استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان:

برخی شواهد تجربی

تألیف: * Alberto Alesina و Lawrence H. Summers

مترجم: دکتر رضا شیوا**

بانک های مرکزی کشورهای مختلف دارای استقلال یکسانی نیستند و میزان این استقلال در کشورها به طور قابل توجهی متغیر است. بسیاری از نویسندگان اقتصادی از جمله Parkin و Bade (۱۹۸۲) و Alesina (۱۹۸۹ و ۱۹۸۸) و Grilli و Masciandaro و Tabellini (۱۹۹۱) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده اند که استقلال بیشتر بانک مرکزی با تورم کمتر همراه خواهد بود. در این مقاله این مطلب بررسی خواهد شد که آیا بین استقلال بانک مرکزی، سطح و همچنین تغییرپذیری متغیرهای واقعی اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، بیکاری و نرخهای بهره واقعی

* - Alberto Alesina دانشیار کرسی اقتصاد سیاسی Paul Sack در دانشگاه هاروارد بوده و عضو مرکز تحقیقات در سیاست اقتصادی و دفتر ملی تحقیقات اقتصادی می باشد. Lawrence H. Summers استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد بوده و با دفتر ملی تحقیقات اقتصادی همکاری دارد. اصل این مقاله در مجله Money, Credit and Banking ماه مه ۱۹۹۳ چاپ شده است.

** - عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران

همبستگی وجود دارد یا خیر؟ نتیجه بررسی استقلال بانک مرکزی با وجود اینکه ثبات قیمت ها را تحکیم می بخشد ولی این استقلال هیچ اثر ملموس و قابل اندازه گیری بر عملکرد واقعی اقتصاد ندارد.

۱- تئوری

همان طوری که Rogoff (۱۹۸۵) خاطر نشان نموده تئوریهای غیر منسجم پویای تورم (Dynamic Inconsistency Theories of Inflation) از نوعی که توسط Kydland و Prescott (۱۹۷۷), Barro و Gordon (۱۹۸۳) تدوین شده است این نتیجه را می دهند که بانک های مرکزی مستقل تر نرخ تورم را کاهش می دهند. واگذاری سیاست پولی به عاملی که رجحان آن بیش از رجحان آن جامعه دوری از تورم می باشد همچون ابزار تعهدی است که یک نرخ پایین تر تورم را ممکن می سازد. Alesina و Grilli (۱۹۹۲) برای اثبات این امر نشان می دهند که علاقه رای دهنده میانه (Median Voter) اینست که یک بانکدار مرکزی انتصاب شود که بیش از خودش از تورم دوری جوید. ولی در عین حال همین رای دهنده میانه در طی زمان در عقاید خود تجدید نظر می نماید. به همین منظور است که وی از بانکدار مرکزی قبلی به عنوان کسی که بیش از حد در مقابل تورم محافظه کار بوده است یاد می نماید. جدا کردن سیاست پولی از جریانات سیاسی باعث می شود که از این مشکل اجتناب شود و ایجاد تعادل تورمی در سطح پایین تسهیل گردد. بدون وجود درجاتی از استقلال سیاسی این هدف مطلوب اجتماعی، یعنی نصب یک بانکدار مرکزی که بیزاری او از تورم بیش از اکثریت رأی دهندگان باشد غیر ممکن خواهد بود. حال ببینیم اثر استقلال بانک مرکزی بر متغیرهای واقعی اقتصاد چیست؟ با فرض قائل شدن آثار واقعی برای سیاست پولی، استدلال در جهت های مختلف مطرح می شود. استقلال بانک مرکزی ممکن است عملکرد واقعی اقتصاد را به دلایل متعدد بهبود بخشد: اول اینکه، رفتار یک بانک مرکزی مستقل و مصون از فشار سیاسی بیشتر قابل پیش بینی است. این چنین بانکی می تواند ثبات اقتصادی را بهبود بخشد و عامل ریسک را در نرخ واقعی بهره تقلیل دهد. به عبارت دقیق تر یک بانک مرکزی

مستقل می‌تواند اقتصاد را در مقابل سیکل‌های تجاری سیاسی به دو روش زیر محافظت نماید: نخست همچنانکه در مدل‌های Nordhaus (۱۹۷۵) و Rogoff و Sibert (۱۹۸۸) مطرح است اعمال نفوذهای قبل از انتخاباتی در سیاست پولی را مانع شده و در ثانی و بر اساس نتایج بدست آمده از مدل‌های Hibbs (۱۹۸۷) و Alesina (۱۹۸۹ و ۱۹۸۸) شوک‌های پس از انتخاباتی حزبی را تقلیل دهد. برای یک بحث جامع تر تئوریک و تجربی در باب جنبه‌های سیاسی سیاست پولی و سیکل‌های تجاری سیاسی به مطالعه انجام شده توسط willett (۱۹۸۸) مراجعه نمائید.^(۱)

دوم از آنجائی که تورم بالا بر عملکرد اقتصاد از راه‌های ایجاد اختلالات و انحرافات، تشویق فعالیت‌های رانت طلبانه اقتصادی و یا افزایش ریسک‌های مختلف اثر نامطلوب دارد، بنابراین می‌توان انتظار داشت که استقلال بانک مرکزی بتواند عملکرد اقتصاد را بهبود بخشد. اگر چنانچه بر اساس مطالعات انجام شده بعنوان مثال Romer (۱۹۸۹) قبول نمائیم که اغلب رکودهای اقتصادی آمریکا از این امر ناشی شده‌اند که فدرال رزرو ابتدائاً "اجازه داده تا تورم در حد وسیعی افزایش یافته و سپس آن را در هم شکسته است، بنابراین می‌توان چنین انتظار داشت که وجود یک سیاست ضد تورمی با ثبات و یکنواخت با عملکرد اقتصادی با ثبات تری ملازم و همراه باشد.

از طرف دیگر، استدلال سنتی موافق سیاست‌های پولی مبتنی بر ملاحظات سیاسی و پاسخگو به مقتضیات آن، بر این امر تأکید دارند که بانکداران مرکزی حساس در مقابل ملاحظات سیاسی، برای اهدافی چون افزایش تولید و کاهش بیکاری و نرخهای واقعی بهره به مراتب از بانک‌های مرکزی مستقل نگران‌ترند. اگر چنانچه این اهداف را بتواند سیاست پولی تأمین کند می‌توان انتظار داشت که بانک‌های مرکزی مستقل تنها در ازای عملکرد اقتصادی واقعی ضعیف تر به هدف

۱- در این مجلد علاوه بر مدل‌های سیکل‌های تجاری سیاسی، مدل‌های بوروکراتیک بانک مرکزی که در آن مدل‌ها، بانک‌های مرکزی به عنوان سازمان‌های بوروکراتیک با هدف به حداکثر رساندن نفوذ خود مطرح می‌باشند بررسی شده‌اند.

نرخهای پایین تر تورم دست یابند. Rogoff (۱۹۸۵) درباره منافع و مضار استقلال بانک مرکزی از یک طرف و وابستگی سیاسی آن یک مدل رسمی را تدوین نموده است. این مدل نشان می‌دهد که هر چه بانکهای مرکزی از تورم بیشتر دوری کنند. این بانکها کمتر به خود اجازه می‌دهند که سیاست‌های تثبیت اقتصادی را به میل و صلاحدید خود تعیین کرده و لذا می‌توانند تغییرات سیکلی در فعالیت‌های اقتصادی را بیشتر تحمل نمائیم.

اثر استقلال بانک مرکزی بر عملکرد اقتصادی سئوالی است که پاسخ آن را باید از لابلای تحقیقات عملی و تجربی بدست آورد و به همین جهت ما هم در دنباله این مقاله به آمار و ارقام مراجعه می‌نمائیم.

۲- اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی

مشکل اساسی در بررسی استقلال بانک مرکزی، اندازه‌گیری این استقلال در کشورهای مختلف است، که تعدادی از اقتصاددانان به این مهم اقدام کرده‌اند. Bade و Parkin (۱۹۸۲) تعداد ۱۲ کشور را به عنوان نمونه انتخاب نموده و از جنبه «استقلال سیاسی» بانک مرکزی آنها را به چهار گروه (۴-۱) تقسیم کرده‌اند. Alesina (۱۹۸۸) نیز با استفاده از همین معیار، چهار کشور دیگر را به آن اضافه کرده است. چنین فرض شده است که استقلال سیاسی به روابط بنیادی بین بانک مرکزی و قوه مجریه، روش و مقررات مربوط به عزل و نصب رئیس بانک مرکزی، نقش مسؤلان دولتی در شتورای بانک مرکزی و تعدد تماسهای عادی بین قوه مجریه و بانک مرتبط است. نتیجه‌گیری فوق بر طبقه بندی Bade و Parkin که ملحقاتی توسط Alesina (۱۹۸۸) به آن منضم شده متکی است.

در این اواخر Masciandaro، Grilli و Tabellini (۱۹۹۱) معیاری برای استقلال بانک مرکزی ساخته‌اند که آن هم «استقلال سیاسی» و هم «استقلال اقتصادی» را منعکس می‌کند. بر اساس تعریف Bade و Parkin (۱۹۸۲) استقلال سیاسی بانک مرکزی عبارت از اینست که بانک مرکزی بتواند اهداف سیاست‌گذاری خود را بدون مداخله و نفوذ دولت انتخاب و تعیین نماید. این معیار بر عواملی چند از جمله

انتصاب و یا عدم انتصاب رئیس کل و شورای بانک از طرف دولت، طول دوران تصدی این مقامات، عضویت یا عدم عضویت نمایندگان دولت در شورای بانک، لزوم یا عدم لزوم تصویب سیاست پولی از طرف دولت و نیز به این مطلب که آیا هدف « ثبات قیمت ها » به طور واضح و مشخص در اساسنامه بانک مرکزی آمده است، بستگی دارد. « استقلال اقتصادی » به توانائی بانک مرکزی برای بکارگیری آزادانه و فارغ از محدودیت ابزارهای سیاست پولی تعریف شده است. معمول ترین محدودیتی که در راه هدایت سیاست پولی توسط بانک مرکزی وجود دارد کم و کیف فشارهای وارده به بانک مرکزی برای تأمین کسر بودجه دولتی است. بر اساس این شاخص استقلال اقتصادی، کیفیت سهولت دسترسی دولت به اعتبارات بانک مرکزی برای تأمین کسر بودجه اندازه گیری می شود.^(۱)

در جدول شماره (۱) دو شاخص و روش معدل گیری ما نشان داده شده است: هر دو شاخص بر حسب افزایش استقلال، تعریف شده اند، و در حد وسیعی با یکدیگر همخوانی دارند.^(۲) در کار تجربی که ما انجام داده ایم از متوسط این دو شاخص استفاده شده و نتیجه آن در آخرین ستون جدول (۱) منعکس شده است. این نتایج تا حد زیادی با نتایج بدست آمده در صورتی که هر یک از شاخص ها بتنهائی بکار گرفته شوند تشابه زیادی با هم دارند.^(۳)

این نکته بایستی مورد تاکید قرار گیرد که سلسله مراتب خلاصه شده فوق انعکاسی است از قوانین و اساسنامه های بانکها. این قوانین هر چند بندرت ولی قابل تغییر هستند. سلسله مراتب مشروحه فوق برای دوره ۱۹۵۵ - ۱۹۸۸ که به عنوان

۱- برای تفصیل بیشتر در مورد ساختار این شاخص به کار انجام شده توسط Tabellini, Masciandaro, Grilli (۱۹۹۱) مراجعه شود.

۲- به طور کلی، اختلاف بین این دو شاخص بیشتر از این حقیقت ناشی می شود که Grilli و Masciandaro و Tabellini (۱۹۹۱) وزن بیشتری به قواعد مربوط به تأمین کسریهای دولتی به طرق پولی می دهند تا Bade و Parkin (۱۹۸۲).

۳- شاخص تهیه شده به وسیله Grilli و Masciandaro و Tabellini منظور کشور اسکانندیناوی (فنلاند، نروژ و سوئد) در دست نیست. در مورد ۲ کشور از این کشورها، به شاخص Bade و Parkin اتکا می نمائیم.

نمونه انتخاب شده صادق است. در این اواخر درجه استقلال بانک مرکزی در برخی از کشورهای مورد مطالعه افزایش یافته است. ولی از آنجائی که این تغییرات خیلی جدید هستند به نمونه‌های ما، ارتباطی پیدا نمی‌کنند.^(۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این امر مثلاً در مورد کانادا، ایتالیا، و زلاندنو مصداق دارد. تغییرات در قوانین بانک مرکزی ممکن است درون زا باشد. بدین معنا که دولتها ممکن است در دورانه‌های باتورم بالا با انجام اصلاحات بنیادی و تشکیلاتی نسبت به تورم عکس‌العمل نشان دهند. برای بحث درباره این مطلب در قالب نمونه گسترده تری از کشورها، به مطالعه انجام شده توسط Cukierman و Webb و Neyapti (۱۹۹۱) مراجعه شود.

جدول ۱
شاخص استقلال بانک مرکزی

متوسط GMT, BP ⁴	تبدیل از GMT BP ³	GMT ²	BP ¹	کشور
۲	۳	۹	۱	استرالیا
۲	۲	۷	۲	بلژیک
۲/۵	۳	۱۱	۲	کانادا
۲/۵	۳	۸	۲	دانمارک
۲	۲	۷	۲	فرانسه
۴	۴	۱۳	۴	آلمان
۱/۷۵	۲	۵	۱/۵	ایتالیا
۲/۵	۲	۶	۳	ژاپن
۲/۵	۳	۱۰	۲	هلند
۲	NA	NA	۲	نروژ
۱	۱	۳	۱	زalandنو
۱/۵	۲	۵	۱	اسپانیا
۲	NA	NA	۲	سوئد
۴	۴	۱۲	۴	سوئیس
۲	۲	۶	۲	انگلستان
۳/۵	۴	۱۲	۳	امریکا

۱- این شاخصی است که برای اولین بار وسیله **Bade** و **Parkin** در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد شد و در سال ۱۹۸۸ توسط **Alesina** گسترش پیدا کرد.

۲- مقادیر شاخصهای استقلال اقتصادی اسپانیایی تخمین زده شده وسیله **Tabellini** و **Grilli** , **Masciandaro** (۱۹۹۱).

۳- تبدیل از مقیاس **GMT** به مقیاس (۱) **a** تا (۴) در مقایسه با مقیاس **BP** تبدیل به شرح زیر است:

شاخص	تبدیل
$i > 11$	۴
$7 < i \leq 11$	۳
$4 < i \leq 7$	۲
$i \leq 4$	۱

۴- متوسط ستونهای ۱ تا ۳

۳- استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان

روش تجربی و عملی که ما بکار برده‌ایم بسیار ساده است. ما شاخص‌های مختلف عملکرد اقتصاد را در دوره زمانی ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۸ در مقابل معیارهای استقلال بانک مرکزی در نمودار نشان داده‌ایم در استفاده از آمار و ارقام مندرج در ضمیمه (جداول A1 و A2) باین نتیجه رسیدیم که برای دوران پس از شوک نفتی (۱۹۷۳-۱۹۸۸) نتایج مشابهی به دست می‌آید. نمودار 1a نتیجه بدست آمده از کار قبلی یعنی همبستگی منفی تقریباً کامل بین تورم و استقلال بانک مرکزی را تأیید می‌نماید. با توجه به وجود همبستگی مستند بین سطح تورم و درجه متغیر بودن آن تعجب آور نیست که می‌بینیم نمودار 1b ارتباط منفی و قوی بین درجه تغییر تورم و استقلال بانک مرکزی را اثبات می‌نماید.

ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و سطح یا تغییر پذیری رشد اقتصادی در نمودار 2a و 2b بررسی شده است. ولی این بررسی نتیجه‌ای را بدست نداده است. به عنوان نمونه آهنگ رشد اقتصادی و متغیر بودن آن در سوئیس که بانک مرکزی آن دارای استقلال فوق العاده است بمراتب کندتر و تغییر پذیرتر از متوسط کشورهای انتخاب شده به عنوان نمونه است، در حالی که آلمان و هلند که دارای بانک‌های مرکزی نسبتاً مستقل هستند از عملکرد اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار می‌باشند. از طرف دیگر، کشورهای دارای بانک‌های مرکزی تا حدودی غیر مستقل نظیر اسپانیا، ژلاندنو دارای رشد اقتصادی نسبتاً متغیر بوده ولی فرانسه با بانک مرکزی نسبتاً غیر مستقل از نرخ رشد اقتصادی ثابت بهره‌مند بوده است.^(۱) در صورتیکه رشد سرانه تولید ناخالص ملی را نیز مبنای محاسبه خود قرار دهیم به نتایج مشابهی دست خواهیم یافت و این نتایج در نمودارهای 3a و 3b منعکس است.

در نمودارهای 4a و 4b همین روش تجزیه و تحلیل در مورد بیکاری به کار گرفته شده است. علیرغم واقعیت خاطر نشان شده توسط Summers و

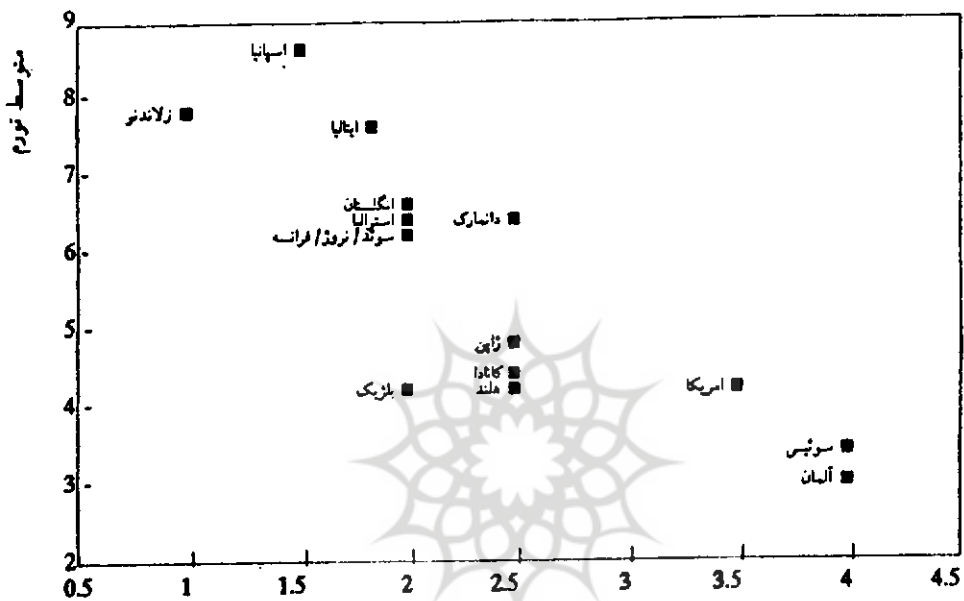
۱- این نتایج با نتایج مشابه بدست آمده به طور مستقل توسط Masciandro و Grilli و Tabellini (۱۹۹۱) که

مندولوژی و نمونه متفاوتی را به کار گرفته‌اند هم‌خوانی دارد.

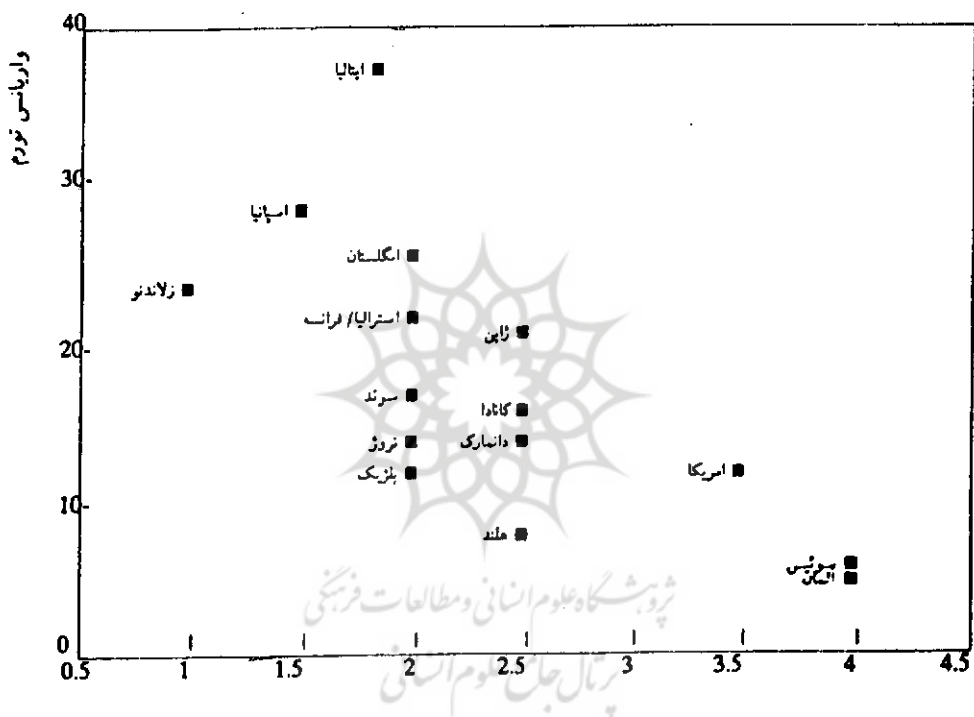
Wadwhani (۱۹۸۹) دائر بر اینکه همبستگی فیما بین عملکرد بیکاری و عملکرد تولید ناخالص واقعی در سطح پایینی قرار دارد، به نظر می‌رسد که درجات بیکاری در ارتباط نزدیک با درجات استقلال بانک مرکزی قرار نداشته باشند.

نمودار 5a و 5b روابط بین استقلال بانک مرکزی و نرخهای بهره واقعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین ترتیب ارتباط واضح و روشنی در خصوص استقلال و متوسط نرخهای بهره واقعی ثانویه (ex-post) نمی‌توان یافت. و نیز مقایسه بین استقلال بانک مرکزی با معیارهای نرخ واقعی بهره اولیه (ex ante) که توسط Barro و Sala-i-Martin (۱۹۹۰) تدوین شده است الگویی را مشخص نمی‌کند. در حالیکه سیاست انبساطی می‌تواند نرخهای واقعی را در کوتاه مدت تحت تأثیر قرار دهد ولی چنین بنظر نمی‌رسد که سیاست پولی انبساطی سیستماتیک (لااقل از نوعی که بانک های مرکزی وابسته و غیر مستقل ارائه می‌دهند) در جهت تقلیل متوسط نرخهای واقعی در مدت زمان طولانی تر عمل نماید. از طرف دیگر ممکن است با توجه به نتایجی که ما در خصوص متغیر بودن تورم ارائه دادیم، چنین استنتاج شود که بین استقلال بانک مرکزی و درجه متغیر بودن نرخهای بهره واقعی عمل شده (ex-post) رابطه منفی آشکار موجود می‌باشد.

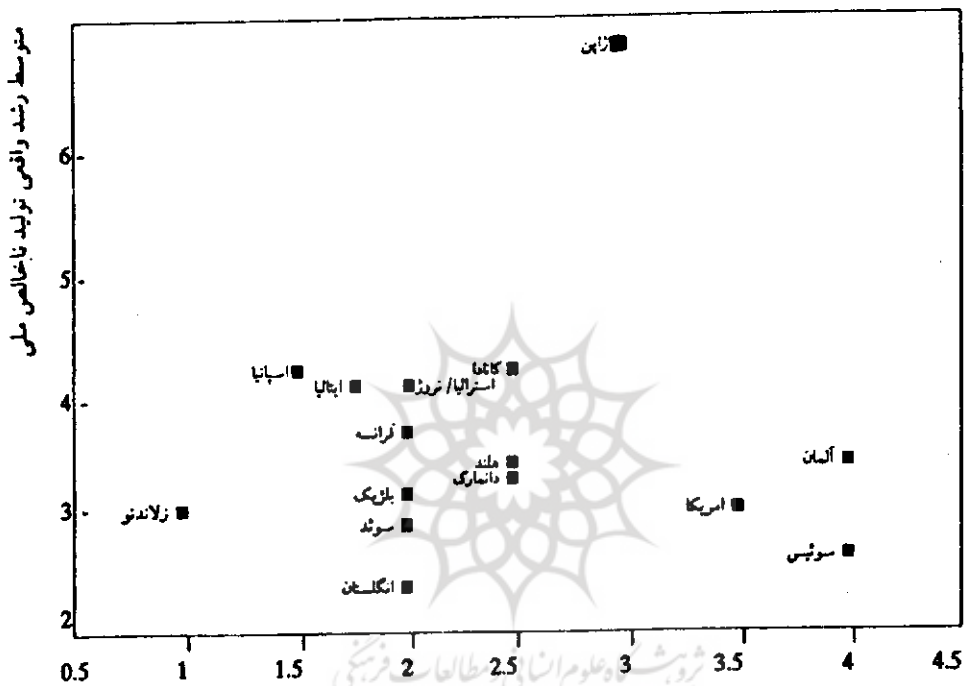
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



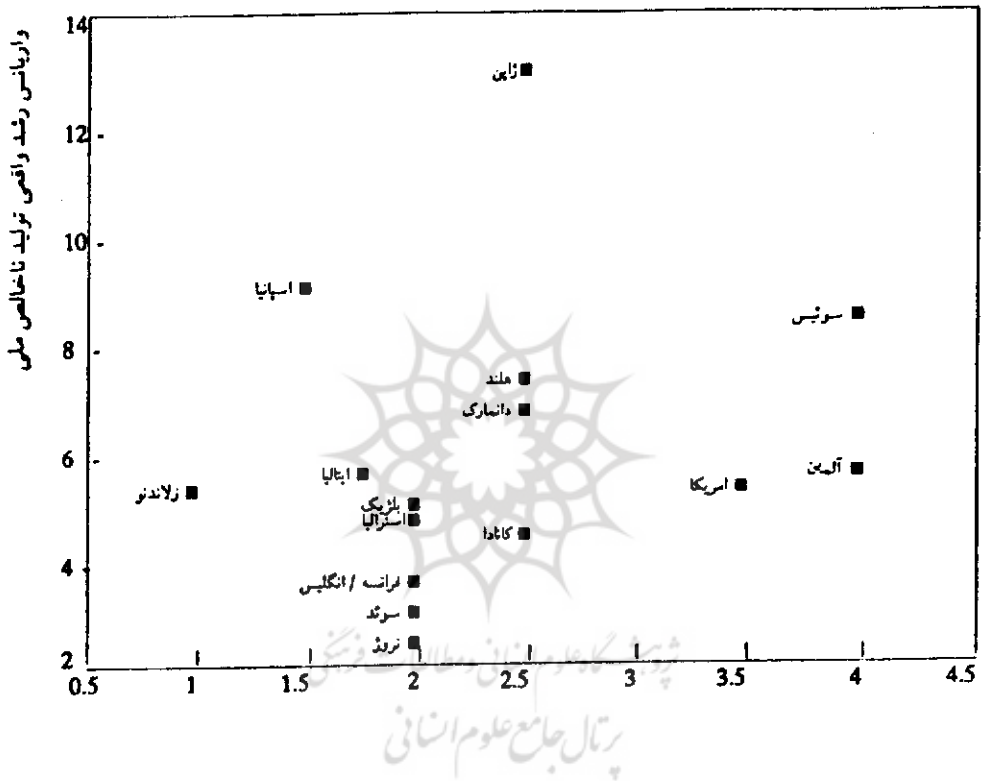
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۱۸ - متوسط نورم
 پیمان جدول نورم استانی



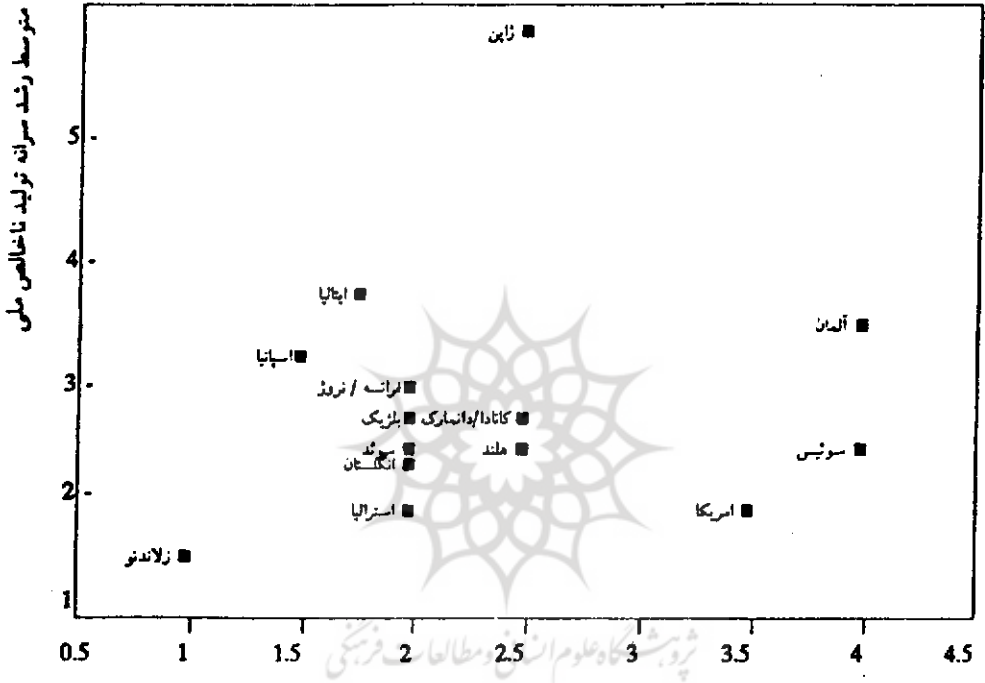
شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۱b - واربانس تورم



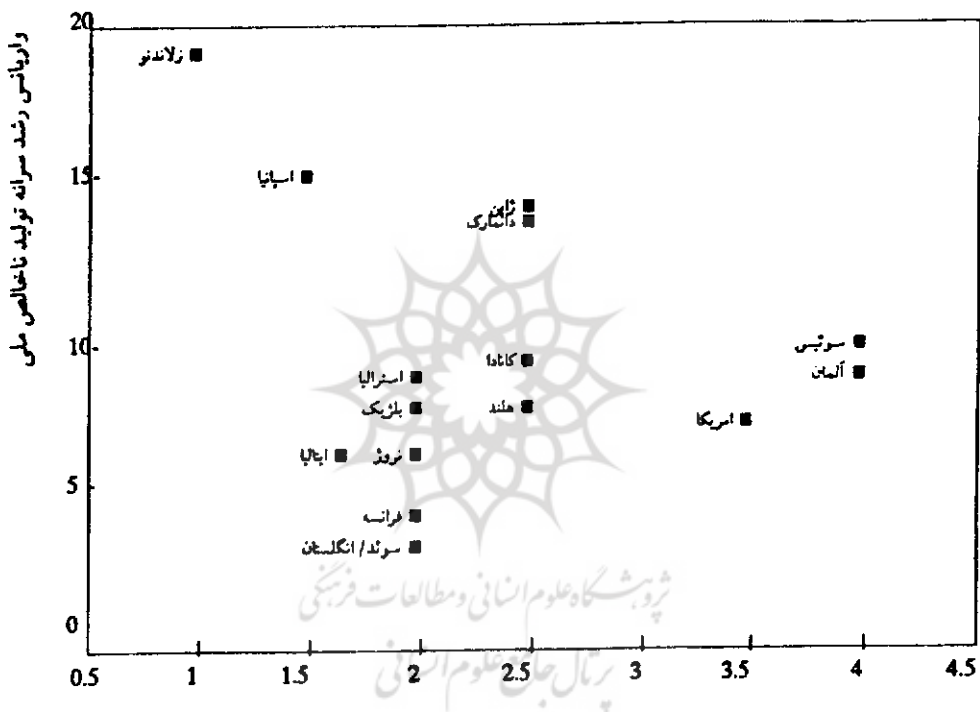
شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۲۸ - متوسط رشد واقعی تولید ناخالص ملی



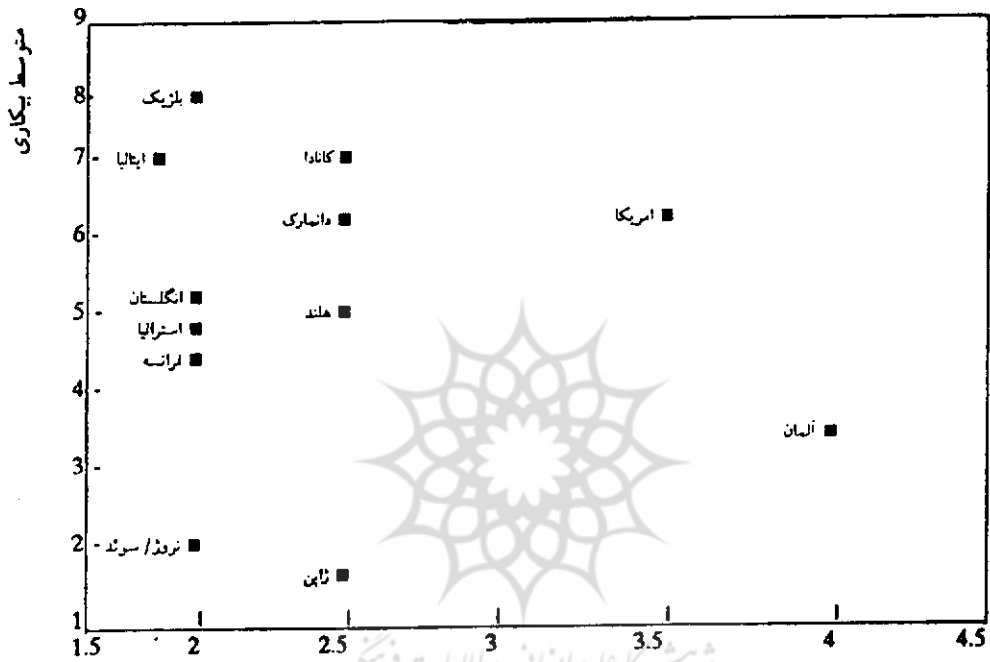
شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۲b - واریانس رشد واقعی تولید ناخالص ملی



شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۳۸ - متوسط رشد سرانه تولید ناخالص ملی

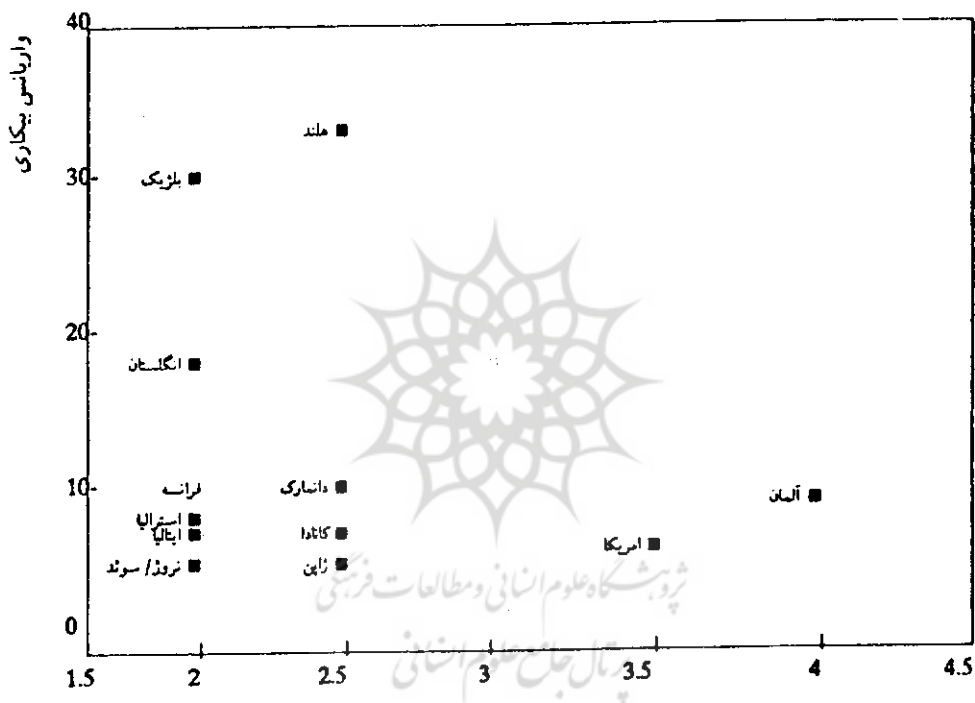


شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۳b - واریانس رشد سرانه تولید ناخالص ملی



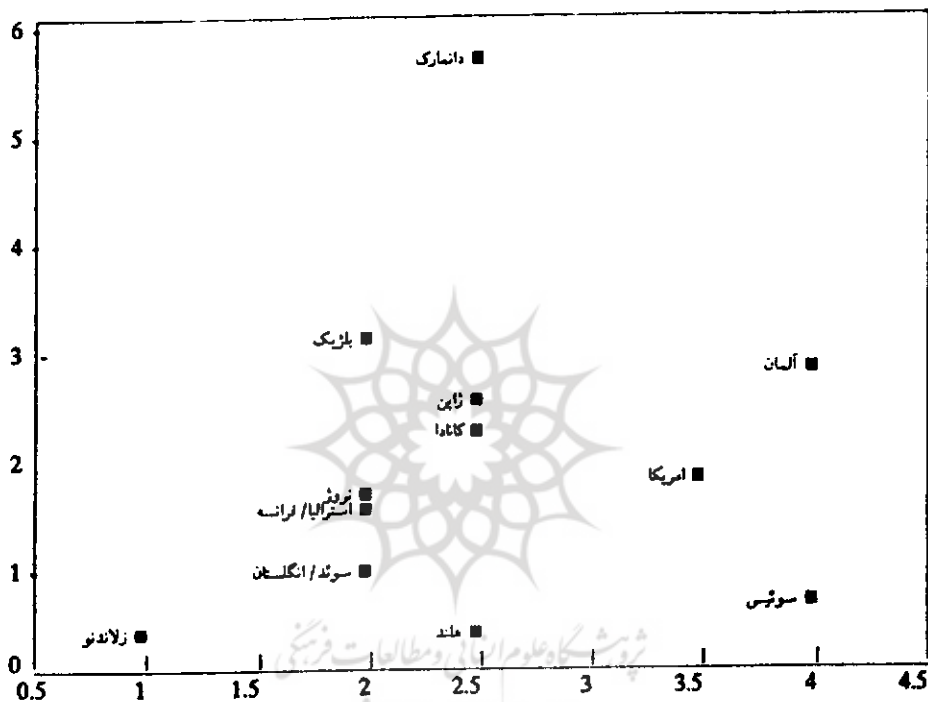
شخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۴a - منوسط بیکاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

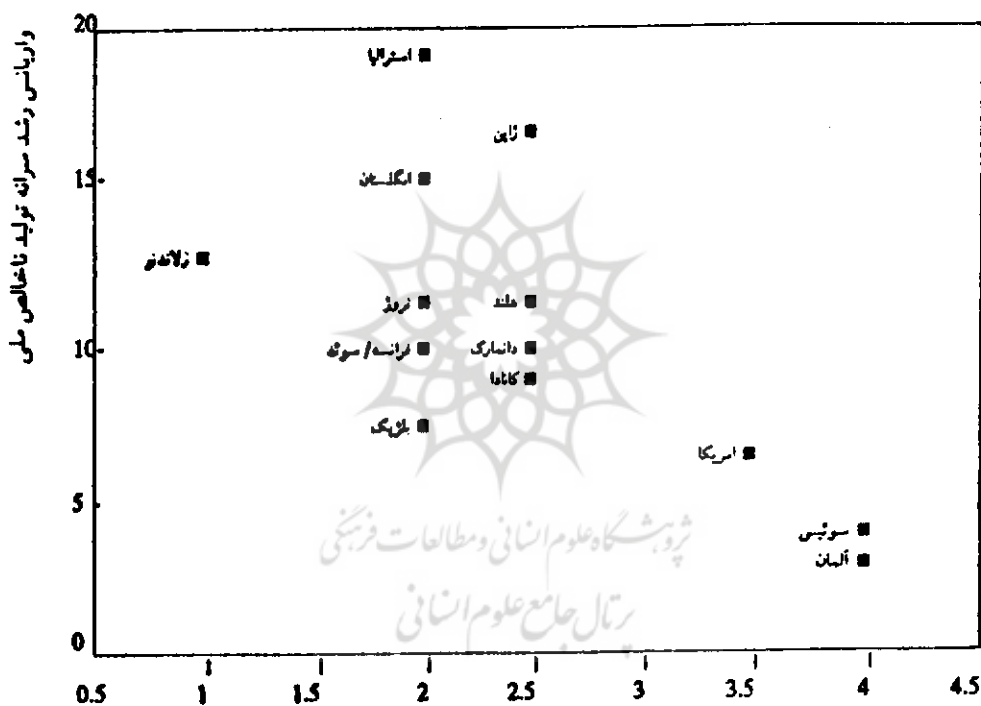


شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۴b - وارپانس بیکاری

واریانس رشد واقعی تولید ناخالص ملی



شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار ۵۵ - متوسط نرخ بهره واقعی



شاخص استقلال بانک مرکزی نمودار 5b - واریانس نرخ بهره واقعی

۴- نتایج

این نتایج نشانگر این مطلب می‌باشد که انضباط پولی که همراه و ملازم با استقلال بانک مرکزی و از نتایج آن است، سطح و درجه متغیر بودن تورم را تقلیل داده ولی برای عملکرد اقتصاد کلان منافع یا مضار گسترده ندارد. این نتیجه گیری لااقل دلیل علمی و تجربی ضعیفی را بر له تئوری‌های تاکیدکننده بر خنثی بودن پول، ارائه می‌دهد.

یافته‌های ما دلالت بر بحث جاری مربوط به قوانین بهینه که باید بر سیاست پولی حاکم باشند دارد. این مباحثات به روشنی از مزایای استقلال بانک مرکزی برای عملکرد اقتصادی بحث می‌نمایند. همچنین این بحث‌ها با ظرافت بیشتر مسائل ناظر به منافع سیاستهای پولی مبتنی بر قانون را مورد بحث قرار می‌دهند. طرفداران سیاست پولی مبتنی بر قانون نوعاً بر این نکته تاکید می‌ورزند که این قبیل سیاستها سبب می‌شوند که از تورم مداوم و با سماجت و پویا اجتناب شود. نتایجی که در این مقاله بدست آمده حاکی از آنست که این امکان برای ملتها وجود دارد که بدون تعیین یک قاعده و قانون پولی و صرفاً از طریق مصون ساختن بانک مرکزی از کنترل سیاسی به همان اهداف نایل آیند. در حالی که این امکان وجود دارد که عملکرد سیاست پولی مبتنی بر قاعده در زمینه تثبیت اقتصادی، بهتر از عملکرد سیاست پولی مبتنی بر استفاده از اختیارات و صلاح اندیشی باشد، Summers (۱۹۸۸) دلایلی را برای غیر محتمل بودن آن نشان داده است. که این دلایل شامل وقایع غیر قابل پیش‌بینی و امکان گرفتار شدن اقتصاد در همسایگی تعادل زیر بهینه، که تثبیت اقتصادی در حول آن خوشایند نیست.

از آنجائی که برداشت و بررسی ما نسبت به آمار و ارقام مربوطه در این مقاله با روش خیلی ساده صورت گرفته بنا بر این نمی‌باید این بررسی را جامع الاطراف و قطعی و نهائی دانست. تجزیه و تحلیل‌های وسیع تر از ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و عملکرد واقعی بجا و بمورد است. برای مثال می‌توان از عامل استقلال بانک مرکزی به عنوان ابزاری برای مطالعه اثرات تفاوت‌های سیاست پولی بین کشورها استفاده نموده. همچنین می‌توان با وارد کردن متغیرهای کنترلی اضافی از انواع متغیرهای مورد استفاده Summers و Wadwhani (۱۹۸۹) نسبت به ارزیابی استقلال بانک مرکزی بر عملکرد اقتصاد اقدام نمود.

بعلاوه باید متوجه بود که درجه استقلال بانک مرکزی تنها یکی از عوامل متعدد بنیادی است. ترتیبات نرخ ارز و شوک های خارجی نیز عواملی هستند که عملکرد اقتصاد را در کشورهای مختلف تحت تأثیر خود قرار می دهند.^(۱) با وجود این، نتایج حاصل از این مطالعه بر حسب بعضی از برداشتها می باشد که منافع تورمی استقلال بانک مرکزی بر هرگونه هزینه های تولیدی می چربد.

بالاخره درجه استقلال بانک مرکزی ممکن است یک متغیر درونزا باشد. برای مثال، این تجربه تاریخی آلمان در مورد تورم لجام گسیخته است که ممکن است ضدیت عمومی با تورم و میل به داشتن یک بانک مرکزی مستقل و متعهد به ثبات قیمت ها را نتیجه داده باشد. در محدوده دوره زمانی مورد عمل در این مقاله منطقی این است که قوانین بانک مرکزی را ثابت و برون زا تصور نماییم. یک تجزیه و تحلیل تاریخی در مورد تحولات بلند مدت ترتیبات بنیادی، بایستی مسائل مربوط به درون زائی مشترک بین حوادث اقتصادی و بنیادهای آن را مورد بررسی قرار دهد.



۱- برای دسترسی به مباحثات بیشتر درباره عوامل متعدد سیاسی بنیادی تعیین کننده تورم در کشورهای مختلف می توان از جمله به کار انجام شده توسط Black (۱۹۸۲)، Willett (۱۹۸۸)، Grilli, Masciandaro و Tabellini (۱۹۹۱) و Cukierman, Edwards و Tabellini (۱۹۹۲) مراجعه نمود.

ضمیمہ جدول A1 استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصادی

داریانس پورہ	داریانس نریخ	متوسط نریخ	GNP		GNP		متوسط رشد	داریانس رشد	متوسط رشد	داریانس تورم	1۹۵۵-۸۸	1۹۵۵-۸۸	1۹۵۵-۸۸	بانک مرکزی	کشور
			سرنه واقعی	سرنه واقعی	سرنه واقعی	سرنه واقعی									
۱۹۵۷-۸۸	n/a	n/a	۱۵/۲	۳/۲	۹/۴	۲/۲	۲۷/۸	۸/۵	۱/۵	اسپانیا					
۱۹۷۰	n/a	n/a	۱۹/۴	۱/۵	۵/۴	۳/۰	۲۱/۹	۷/۶	۱	زلائندو					
۱۸/۰	۷/۰	۲/۷	۷/۹	۱/۹	۲/۶	۲/۰	۲۰/۸	۶/۴	۲/۰	استراليا					
n/a	n/a	۷/۰	۶/۶	۲/۷	۵/۷	۲/۰	۳۴/۳	۷/۳	۱/۷۵	ایٹالیا					
۱۵/۰	۱۸/۰	۵/۳	۲/۳	۲/۱	۲/۰	۲/۴	۳۲/۵	۶/۷	۲	انگلستان					
۱۰/۰	۱۰/۰	۳/۲	۲/۶	۳/۰	۴/۰	۳/۹	۲۰/۹	۶/۱	۲	فرانسہ					
۱۰/۰	۱۰/۰	۶/۱	۱۳/۰	۲/۶	۶/۷	۳/۳	۱۱/۵	۶/۵	۲/۵	دانمارک					
۷/۰	۳۰/۰	۸/۰	۷/۷	۲/۶	۴/۹	۳/۱	۱۰/۸	۳/۱	۲	یٹورکی					
۱۱/۰	۰/۳	۲/۱	۶/۴	۳/۰	۲/۳	۲/۰	۱۶/۷	۶/۱	۲	نروژ					
۱۰/۰	۰/۳	۲/۱	۲/۳	۲/۴	۳/۳	۲/۹	۱۴/۰	۶/۱	۲	سویڈ					
۸/۰	۵/۰	۷/۰	۹/۱	۲/۶	۲/۳	۳/۱	۱۲/۸	۴/۵	۲/۵	کینیڈا					
۱۱/۰	۳/۰	۵/۱	۷/۵	۲/۵	۷/۰	۳/۳	۸/۴	۲/۲	۲/۵	ہلند					
۱۶/۰	۰/۳	۱/۸	۱۲/۴	۵/۵	۱۴/۴	۶/۷	۱۹/۶	۴/۸	۲/۵	ژاپن					
۶/۰	۲/۰	۶/۰	۶/۷	۱/۹	۵/۳	۳/۰	۱۰/۵	۲/۱	۳/۵	امریکا					
۳/۰	۹/۰	۳/۶	۸/۶	۳/۳	۵/۶	۲/۲	۵/۵	۳/۰	۲	آلمان					
۲/۰	n/a	n/a	۱۰/۰	۲/۵	۸/۶	۲/۷	۶/۱	۳/۲	۲	سوئیس					

منبع : صندوق بین المللی بولہ، **OECD and Heston و Summers**

ضمیمه جدول A2
استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصادی در دوران پس از شوک نفتی

کشور	استقلال بانک مرکزی	شاخص متوسط		واریانس تورم		واریانس رشد		واریانس رشد		واریانس رشد		واریانس رشد		واریانس رشد		واریانس رشد		واریانس رشد		
		تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	تورم	رشد	
اسپانیا	۱/۵	۱۲/۴	۲۲/۱	۲۲/۱	۲/۵	۲/۱	۱/۲	۸/۹	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸	۱۹۷۳-۸۸
ژلاندنو	۱	۱۲/۲	۱۰/۵	۱۰/۵	۲/۵	۰/۷	۲/۱۷	۲/۱۷	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	
استرالیا	۲/۰	۹/۵	۷/۳	۷/۳	۳/۲	۱/۴	۷/۲	۶/۶	۶/۶	۳/۰	۳/۰	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	
ایتالیا	۱/۷۵	۱۲/۵	۲۹/۶	۲۹/۶	۲/۹	۲/۹	۷/۷	۸/۴	۸/۴	۲/۰	۲/۰	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	
انگلستان	۲	۶/۷	۳۳/۵	۳۳/۵	۴/۱	۴/۱	۷/۸	۷/۸	۸/۸	۱۵/۰	۱۵/۰	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	
فرانسه	۲	۸/۲	۱۲/۶	۱۲/۶	۱/۳	۱/۳	۲/۱	۲/۱	۷/۰	۶/۰	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۱	
دانمارک	۴/۵	۸/۶	۱۱/۰	۱۱/۰	۵/۲	۵/۲	۱۱/۵	۱۱/۵	۷/۵	۷/۵	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	
بلژیک	۲	۶/۰	۱۱/۹	۱۱/۹	۳/۸	۳/۸	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۲/۸	۱۲/۸	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	۲/۰	
نروژ	۲	۸/۲	۵/۶	۵/۶	۳/۹	۳/۹	۶/۳	۶/۳	۲/۲	۲/۲	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	
سوئد	۲	۸/۳	۷/۶	۷/۶	۱/۸	۱/۸	۵/۶	۵/۶	۲/۳	۲/۳	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	۱/۷	
کانادا	۲/۵	۷/۲	۷/۹	۷/۹	۳/۳	۳/۳	۱۱/۶	۱۱/۶	۸/۷	۸/۷	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	
هلند	۲/۵	۴/۳	۱۰/۵	۱۰/۵	۲/۲	۲/۲	۲/۸	۲/۸	۹/۷	۹/۷	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	
ژاپن	۲/۵	۳/۵	۱۷/۱	۱۷/۱	۲/۷	۲/۸	۸/۵	۸/۵	۲/۳	۲/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	
آمریکا	۳/۵	۶/۴	۱۱/۱	۱۱/۱	۶/۴	۶/۵	۹/۸	۹/۸	۷/۲	۷/۲	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۱/۰	
آلمان	۲	۳/۴	۴/۰	۴/۰	۱/۸	۲/۳	۶/۹	۶/۹	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲	۶/۲
سوئیس	۲	۳/۱	۳/۳	۳/۳	۸/۱	۸/۱	۱/۴	۱/۴	n/a	n/a	۱/۰	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴

منبع: به جدول A1 مراجعه شود.

Alesina, Alberto. "Macroeconomics and Politics." In NBER Macroeconomics Annual, edited by Stanley Fischer, pp.17-52. Cambridge, Mas.:MIT Press, 1988.

_____. "Politics and Business Cycles in Industrial Democracies." Economic Policy, 8(Spring 1989), 58-98.

Alesina, Alberto, and Vittorio Grilli. "The European Central Bank: Reshaping Monetary Policy in Europe." In Establishing a Central Bank: Issues in Europe and Lessons from the United States, edited by Matthew Canzoneri, Vittorio Grilli, and Paul Masson, pp.49-77. Cambridge: Cambridge University Press and CERR, 1992.

Bade, Robert, and Michael Parkin. "Central Bank Laws and Monetary Policy." Unpublished, 1982.

Barro, Robert, and David Gordon. "Rules, Discretion, and Reputation in a Model of Monetary Policy." Journal of Monetary Economics 12(July 1983), 101-22.

Barro, Robert, and Xavier Sala-i-Martin. "World Real Interest Rates." In NBER Macroeconomics Annual, edited by Olivier Blanchard and Stanley Fischer. Cambridge, Mass.: MIT Press, 1990.

Black, Stanley. "Strategic Aspects of the Political Assignment Problem in Open Economics." In Political Economy of International and Domestic Monetary Reform, edited by Raymond Lombra and Willard Witte, pp. 130-52. Iowa City: Iowa State University Press, 1982.

Cukierman, Alex, Sebastian Edwards, and Guido Tabellini. "Seignorage and Political Instability." American Economic Review 82(June 1992), 537-55.

Cukierman, Alex, Steven Webb, and Bilin Neyapti. "The Measurement of Central Bank Independence and Its Effect on Policy Outcomes." Unpublished, 1991.

Grilli, Vittorio, Donato Masciandaro, and Guido Tabellini. "Political and Monetary Institutions and Public Finance Policies in the Industrial Countries." Economic Policy 13(October 1991), 341-92.

Hibbs, Douglas. The American Political Economy. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1987.

Kydland, Finn, and Edward Prescott. "Rules Rather than Discretion: The Inconsistency of Optimal Plans." *Journal of Political Economy* 58 (June 1977), 473-90.

Nordhaus, William. "The Political Business Cycle." *Review of Economic Studies* 42 (April 1975), 160-90

Rogoff, Kenneth. "The Optimal Degree of Commitment to an Intermediate Monetary Target." *Quarterly Journal of Economic* 110 (November 1985), 1169-90.

Rogoff, Kenneth, and Anne Sibert. "Equilibrium Political Business Cycles." *Review of Economic Studies* 55 (January 1988), 1-16.

Romer, Christina, and David Romer. "Does Monetary Policy Matter? A Test in the Spirit of Friedman and Schwartz." In *NBER Macroeconomics Annual*, edited by Olivier Blanchard and Stanley Fischer, pp. 121-170. Cambridge, Mass.: MIT Press, 1989.

Summers, Lawrence. "Comment on Postwar Developments in Business Cycle Theory: A Moderately Classical Perspective." *Journal of Money, Credit, and Banking* 20 (August 1988), 427-76.

Summers, Lawrence, and Sushil Wadwhani. "The Determinants of the Cyclical Variability of Output." CLE Working Paper, 1989.

Willett, Thomas ed. *Political Business Cycles*. Durham, N.C.: Duke University Press, 1988.

پښتونخواه پښتانه علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی